

ایسکرا

۱۰۴۴

دبیر کمیته کردستان نسان نودینیان
Tel: 00491714130061
E-mail: nasan.nodinian@gmail.com

سردبیر عبدل گلپریان

۲۱ خرداد ۱۳۹۹، ۱۰ ژوئن ۲۰۲۰ تلفن تماس با ما Tel: 004915142486244

پیام حمایت کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران از فراخوان کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

صفحه ۲

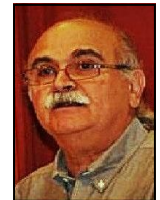
به صف داد خواهی ۳۰ خرداد بپیوندید! فراخوان به خانواده‌های زندانیان سیاسی

صفحه ۳

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی



فاشیسم در قدرت، فاشیسم در اپوزیسیون



حمید تقوانی

انتخاباتی است، می‌گویند حاصل "سوء استفاده" سلبریتیهای چپ و لیبرال از نارضایتی مردم است و غیره و غیره.

تصویری که اینها از اعتراضات بر حق مردم علیه راسیسم و فاشیسم سیستماتیک و نهادینه شده در آمریکا میدهند ترجمه فارسی اظهارات ترامپ و فاکس نیوز و دیگر چهره‌ها و رسانه‌های جنبش برتری طلب سفید (white supremacist) نژادپرستان دو آتشه در آمریکا و در دیگر کشورها است.

تعفن و بوی گند این فاشیسم فارس بویژه از اظهارات منصور اسانلو بیرون میزند. ایشان جرج فلوید را هنرپیشه فیلمهای پورنو معرفی میکند (که بر فرض هم چنین باشد معلوم نیست چرا جرم است!) که پلیس از ترس جانش او را تصادفی کشته است و تظاهر کنندگان هم از نظر ایشان بیکاران بیعاری هستند که کاری جز اغتشاش بلد نیستند!

بی شرمی هم حدی دارد! حتی دیوید دوک رهبر کولوکس کلانهای آمریکا و یار غار ترامپ هم جرات نمیکند چنین صریح و وقیحانه علیه مردم معترض سخن بگویند. اما ظاهراً میشود به زبان فارسی این حرفها را زد و مدعی طرفداری از کارگر هم بود! میشود جنبش ضد فاشیست آنتیفا را تروریست نامید و ادعای

صفحه ۲

بدنبال قتل فلیج جرج فلوید بدست پلیس راسیست آمریکا و اعتراضات گسترده و مداوم درصدها شهر آن کشور، و امروز در يك سطح جهانی، نیروهای اپوزیسیون راست جمهوری اسلامی نیز به تفرقا افتاده اند.

مصاحبه میکنند و قلم میزنند و در مدیای اجتماعی کامنت مینویسند و لایک میزنند اما نه در اعتراض به قتل جرج فلوید و در کنار و به همراه مردم خشمگین و معترضی که بیش از ده روز است با شعار نمیتوانم نفس بکشم خیابانها را تسخیر کرده اند، بلکه علیه این مردم و در کنار ترامپ و پلیس فاشیست آمریکا. از فرسار و سلطنت طلبان دو آتشه تا کسانی که خود

را سکولار دموکرات مینامند، و یا چپ و طرفدار کارگر میدانند، همه در کنار ترامپ که پرونده قطوری در سپاهپوست ستیزی و اظهارات و مواضع راسیستی دارد، قرار گرفته اند. میگویند این اعتراضات زیر سر حزب دموکرات است، توطئه سازمان "تروریستی" آنتیفا است، میگویند ناشی از رقابتهای

به کارزار "من در ایران نمیتوانم نفس بکشم" بپیوندید!

صفحه ۵

انقلاب زنانه

بر اثر شیوع ویروس کرونا وضعیت سندج قرمز اعلام شده

صفحه ۳

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری

اخبار هفتگی کرونا در شهرهای کردستان و راههای مقابله با آن

صفحه ۴

یدی محمودی

سلطان سوخت هم دستگیر شد

صفحه ۴

کاظم نیکخواه

زیر پای جنایتکاران اسلامی فرش قرمز پهن نکنید!

صفحه ۵

نامه سرگشاده مینا احدی به آنجلا مرکل، برای دستگیری غلامرضا منصور

اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

صفحه ۶

عزیزه لطفی

رحیم یوسفی متاسفانه اعدام شد!

صفحه ۷

کمیته بین المللی علیه اعدام

اطلاعیه های حزب

صفحه ۷

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ **فاشیسم در قدرت، ...**

سکولار دموکراسی هم داشت! لقب سکولار و دموکرات از سر اینها زیاد است، فاشیست لقب مناسبتری است.

اما چرا اپوزیسیون راست به این روز افتاده است؟ چرا نیروهای که خود را اپوزیسیون حکومت اسلامی در ایران میدانند از کنار فاشیسم نژادی در آمریکا سر درآورده اند؟ یک توجیه و بهانه اینان موضع گیری تاکتیکی علیه حکومت اسلامی است. معتقدند ترامپ بیش از حزب دموکرات ضد جمهوری اسلامی است، برجام را بر هم زده و تحریم اقتصادی را تشدید کرده است و لذا نباید تضعیف بشود. صریحا میگویند این اعتراضات به ضرر ترامپ و به نفع جو بایدن تمام میشود و لذا باید در مقابلش ایستاد. این البته موضع تازه ای نیست. از زمان روی کار آمدن ترامپ تا امروز این نیروها از فاشیست ترین و ضد زن ترین و دروغگو ترین و شارلاتان ترین رئیس جمهوری که آمریکا به خود دیده حمایت کرده اند به این بهانه که علیه جمهوری اسلامی است. ظاهرا از فرط ضدیت با جمهوری اسلامی با سر به قعر فاشیسم ترامپیستی سقوط کرده اند.

ظاهرا میتوان با ذوب شدن در فاشیسم نژادی ترامپ با فاشیسم اسلامی حاکم در ایران در افتاد. مضمون و ماهیت این نوع "ضدژیمی گری"، درست مانند "ضدآمریکائیکری" جمهوری اسلامی، تماما ارتجاعی است اما مساله فقط بر سر تاکتیک ضد ژیمی اپوزیسیون راست نیست. موضع اخیر اینها هم مانند "سکوت ملوکانه" رضا پهلوی در مورد مرگ قاسم سلیمانی در استراتژی و ایدئولوژی این نیروها ریشه دارد. این مواضع فوق ارتجاعی اخیر هم دقیقا و کاملا با استراتژی نیروهای رنگارنگ

اپوزیسیون راست و در سطح پایه ای تری با جهانی بینی و دکترین و سیستم ارزشی آنها منطبق است. از نظر استراتژیک رژیم چنج و خط تغییرات از بالا با کمترین دخالت توده مردم (همان توده "بیکارو بیچاره" که "جز اغتشاش کاری بلد نیست") به همین نوع تاکتیکها و موضعگیریهای ضد مردمی منجر میشود. وقتی جناب رضا پهلوی در اوج خیزش آبان خطاب به "نخبگان لشگری و کشوری" جمهوری اسلامی برای "احتراز از هرج و مرج" پیام مودت میدهد و دست دوستی دراز میکند در واقع همان خط رژیم چنج با کمترین تغییرات ممکن را دنبال میکنند. براندازی خواهی اینان سرنگونی نظام جمهوری اسلامی نیست، حفظ همین نظام با نام و پرچم دیگری است.

از نظر جهان بینی و دکترین هم راسیسم نوع ترامپ و راسیسم فارس هم ریشه اند. عظمت طلبی ایرانی با عظمت طلبی آمریکائی و نژاد پرستی ضد سیاه با نژاد پرستی آریائی از یک قماش است. فاشیسم ترامپیستی میخواهد عظمت را به آمریکا برگرداند و فاشیسم آریائی خواهان باز گشت به عظمت دوران کوروش است.

امروز مردم در شهرهای انگلیس و آمریکا دارند مجسمه های "سرداران ملی" دوران برده داری و استعمار را پائین میکشند و فاشیستهای وطنی خیال هوا کردن مجسمه امپراتور دوران برده داری را در سر میپورراندند. وقتی جنبش یا نیروی سیاسی ای تحت عنوان حقوق بشر از یک امپراتور دوران برده داری حمایت میکند، روشن است که در کنار ترامپ عظمت طلب در برابر مردم برابر طلب قرار میگردد. همانطور که "رضا شاه کبیرشان" از فرط آریاپرستی در کمپ هیتلر و موسولینی قرار گرفت.

از نظر سیستم ارزشی نیز تعصبات ملی - میهنی و خاک پرستی و امپراتور پرستی تماما در مقابل انساندوستی و ارزشهای جهانشمول انسانی قرار میگردد. وقتی انسانها را به ملل و نژادهای مختلف تقسیم میکنند و خاکپرستی و نیاکان پرستی را بجای برابری طلبی و دفاع از حرمت و منزلت جهانشمول انسانی قرار میدهند، در واقع پا بر گلی همه

مردم جهان گذاشته اند. شعار نمیتوانم نفس بکشم خطاب به فاشیستها در قدرت و در اپوزیسیون هر دو است.

امروز حتی چهره های مهمی در خود حزب جمهوریخواه آمریکا ناگزیر شده اند از ترامپ فاصله بگیرند.

صریحا او را عامل نفرت پراکنی و تفرقه در میان مردم میخوانند و با هیتلر مقایسه میکنند. اما اپوزیسیون لس آنجلس نشین کاسه داغ تر از آش است. همان موضعی که خامنه ای در قبال تظاهرات توده ای در ایران دارد اینها نیز علیه مردم معترض آمریکا دارند. اینان نیز مانند ترامپ و خامنه ای مردم بپا خاسته علیه تبعیض و بیحقوقی را اغتشاشگر، آلت دست مخالفین و مخل امنیت ملی و غیره مینامند. جمهوری اسلامی با کارگران مهاجر افغانی - که تعدادی از آنان را ماه قبل در رودخانه غرق کرد و تعداد دیگری را در هفته گذشته زنده زنده به آتش کشید - و با زنان و بهائیان و همجنسگرایان دقیقا همان رفتاری را دارد که دولت و پلیس آمریکا علیه سیاه پوستان، دفاع از فاشیسم نژادی ترامپ تضعیف فاشیسم اسلامی نیست، تقویت آنست. هم اکنون مردم ایران با شعار "من هم نمیتوانم نفس بکشم" دارند اعتراض خود را به فاشیسم اسلامی بیان میکنند و اپوزیسیون ناسیونالیست و سلطنت - جمهوریخواه نه تنها در مقابل مردم آمریکا (و همچنین مردمی که در انگلیس و استرالیا و فرانسه و آلمان و کانادا و بلژیک و هنگ کنگ و ایتالیا و اسپانیا و ده ها کشور دیگر به حمایت از جنبش نمیتوانم نفس بکشم برخاسته اند) بلکه در واقع علیه مردم ایران نیز بمیدان آمده است. نمیتوان در ایران از آزادیخواهی و دفاع از مردم حرف زد اما در برابر مردم جهان ایستاد. ولی در سیستم ارزشی ای که بر ناسیونالیسم و راسیسم و آب و خاک پرستی و عظمت طلبی مبتنی باشد چیزی از این طبیعتی تر نیست. ناسیونالیسم از هر نوعی، افراطی و غیر افراطی اش، و در هر کشوری ماهیتا و عملا ضد ارزشهای جهانشمول انسانی و علیه همان مردمی است که میخواهد تحت نام "ملت پرافتخار" بدنبال خود بکشد.

جنبش ناسیونالیسم پروس دولتهای غربی و اعضای جدید ورود به این جنبش نظیر منصور اسانلو، از این نقطه نظر تماما در کمپ جمهوری اسلامی قرار میگیرند. فاشیسم آریائی همان فاشیسم اسلامی است. تنها عمامه را با تاج عوض کرده است.

۷ ژوئن ۲۰۲۰

پیام حمایت**کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران از فراخوان کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی****سی خرداد روز حمایت از زندانیان سیاسی**

سی خرداد روز اعتراض به سرکوب فعالین در ایران، زندان، شکنجه، شلاق، وثیقه و اعدام میباشد. این روز، روز حمایت و همبستگی با خانواده های زندانیان سیاسی، مادران خاوران و پارک لاله و جنبش دادخواهی است. روز اعتراض به تمام جنایات جمهوری اسلامی در چهار دهه گذشته میباشد. ده سال از اعلام روز حمایت از زندانیان سیاسی سپری شده است.

هر سال در حمایت از زندانیان سیاسی و در محکومیت سرکوب سیستماتیک و خونین ج.ا در ایران در کشورهای اروپایی، کانادا و استرالیا صدها نفر برای بسیج افکار عمومی علیه هولوکاست ج.ا در زندانهای ایران با برپایی میتینگ و تظاهرات در خیابانها صدای اعتراض و صدای حمایت از زندانیان سیاسی هستند! پس از ده سال تلاش و مبارزه برای جهانی کردن سی خرداد - بیست ژوئن، روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی در ایران، این روز به یک روز شناخته شده در اذهان عمومی تبدیل شده است.

امسال در شرایطی به استقبال روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی میرویم که در آبان و دی ماه ۱۳۹۸ نیروهای سرکوبگر ج.ا صدها نفر از مردم معترض و انقلابی را که علیه بیکاری و گرانی، علیه فساد، دزدی و علیه حاکمان ضد انسانی در ایران بخیابانها آمده بودند، با حملات خونین به رگبار بستند و صحنه های شنیع و خونین و غیر انسانی سی خرداد شصت را اینبار در وحشت از سرنگونی نظام پوسیده اسلامی به نمایش گذاشتند. اما اینبار در آبان و دی ماه مردم مرعوب نشدند، موقتا عقب نشینی کردند، و سرنوشتشان را به دوره انتظار و سکون نسپردند. اینبار و در ادامه اعتراضات آبان و دی ماه نود و هشت اعتراضات توده ای و کوبنده را ادامه داده اند. اعتراض به سرکوب و تعرض به ج.ا با شعار نابود باد حکومت اسلامی و نه به حکومت اعدام و حمایت از آزادی زندانیان و زندانیان سیاسی همواره عرصه ای پیگیر و خیابانی برای مردم در ایران و نیروهای سرنگونی طلب است.

امسال در شرایطی به استقبال روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی میرویم که جهان درگیر مبارزه با شیوع ویروس کرونا است. زندانهای ج.ا بدلیل حضور جمعیت وسیعی از زندانیان، ناامن ترین مکان شیوع ویروس کرونا است. در زندانها برای مقابله با سهل انگاری ج.ا و برای نجات از تلف شدن و رهایی از دست ویروس مرگبار کرونا، زندانیان دست بقیام و شورش زده اند. زندانها همواره محل اعتراض و مبارزه علیه سرکوب و احکام ضد انسانی و محکومیت های طولانی مدت توسط زندانیان سیاسی بوده است.

در کردستان حمایت از زندانیان سیاسی و مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی همواره موضوع اعتراض مردم بوده است.

در دهمین سالگرد برگزاری حمایت از زندانیان سیاسی مردم کردستان را فرا میخوانیم با تهیه ویدئوهای صوتی و تصویری حمایت خود را از زندانیان سیاسی اعلام کنند.

ما از فراخوان کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی حمایت میکنیم.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۲۰ خرداد ۱۳۹۹

۹ ژوئن ۲۰۲۰

فراخوان کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی؛

«کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی از شما دعوت میکند تا در کنفرانسی به مناسبت بیست ژوئن که امسال برابر است با ۳۱ خرداد که بخاطر شرایط ویژه امروز و ویروس کرونا، به شکل آنلاین برگزار میشود شرکت کنید. این برنامه، شبیه بیست ژوئن ۲۰۲۰ برابر با سی و یکم خرداد، بصورت لایو از میایا اجتماعی کمیته بخش خواهد شد.

ما از شما مردم شریف، آزادخواه، انساندوست، خانواده زندانیان سیاسی، خانواده و فعالین جنبش دادخواهی، اتحادیه ها، تشکلات و فعالین حقوق زنان، دانشجویان، معلمان، بازنشستگان، کارگران، نویسندگان، وکلا، هنرمندان، ژورنالیستها، ورزشکاران، سازمانهای مدافع آزادی بیان و زندانی سیاسی، فعالین سیاسی و احزاب سیاسی دعوت میکنیم تا در این کنفرانس شرکت کنید و همچنین با ابتکارات خود و یا تشکلاتن مراسمهایی در این روز برگزار کنید.»

۲۰ خرداد ۱۳۹۹

به صف داد خواهی ۳۰ خرداد بپیوندید! فراخوان به خانواده‌های زندانیان سیاسی

در هر سالگرد سی خرداد از دهه ۶۰ تا کنون، در هر لحظه از این تاریخ دهشتبار پر اضطراب، در تمامی روزهای شوم این قتل‌عام خونین، در همه اوین‌ها در سراسر ایران، در همه سلول‌های شکنجه و ضربه‌های کابل، تا تحویل لباسهایی که بوی عزیزی را می‌داد که بر دار کرده بودند، خانواده‌های دستگیر شدگان دهه ۶۰، بی‌باکانه با هیولای حکومت اسلامی جنگیدند! مادران دلاور خاوران‌ها، مادران داغدار گورهای بی‌نام و نشان، حماسه سازان نسلی از شکست‌نخورده‌گان این تاریخ خونبار، این کیفرخواست بی‌فرجام را بر دوش کشیدند و به نسل پس از خود سپردند! سی خرداد دهه ۶۰ در تاریخ بشریت متمدن نه فقط با یاد و خاطر عزیز جانباختگان که با

درد و رنج جانکاه بازماندگان عجبین است! بسی خرداد متعلق به همه مادران و پدران داغداری است که همچنان پرچم دادخواهی را با دستان پرتوان خود افراشته‌اند.

از خانواده‌های زندانیان سیاسی می‌گوییم! خانواده‌های جانباختگان، خانواده‌های داغدار و مصیبت دیدهای که حتی از نام و نشان فرزندان خود بر گورهایشان محروم ماندند! خانواده‌های مضطرب در مقابل بیدادگاهها و درب زندانها، خانواده‌های دادخواهان در تحصن‌های پرشور و جسورانه! خانواده‌های سر به نیست شده‌های سال ۸۸، خانواده‌های کارگران و معلمان زندانی، خانواده‌های فعالین و مدافعین حقوق زنان و کودکان.

سی خرداد خونین سال ۱۳۶۰، تاریخ واقعی تولد هیولای جمهوری اسلامی است. این تاریخ با فریاد دادخواهی همه آن نسلی که انقلابی بزرگ را رقم زده بودند، ایستادگی کرد و برآرمانهای یک زندگی بهتر پای فشرد، علیه هجوم توحش حکومت اسلامی ایستادگی کرد، تا به این جا رسید! نه فراموش شده و نه بخشوده

شده است! عاملین و آمرین جنایات هولناک دهه ۶۰ همه در رأس حکومت اسلامی‌اند! جنایات خرداد خونین سال ۸۸ را، همه این کلیت متعفن آفرید. همه آنها که هنوز خون به رخسار جامعه زخم خورده می‌پاشند!

خانواده‌های شجاع و جسور زندانیان سیاسی، با مبارزات و افشگری‌های بی‌امان خود، به یک سند زنده تاریخی در افشای جنایات بی‌شمار حکومت اسلامی بدل شده‌اند. جهان با این اعتراضات بی‌امان، به راه‌های پنهان جنایات بی‌شمار جمهوری اسلامی دست یافته است. صحنه سیاسی ایران را همین مبارزات به شدت تغییر داده است و جمهوری اسلامی را به تنگنای نابودی کشانده است.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی از همه خانواده‌های زندانیان سیاسی می‌خواهد که به کمپین ۲۰ ژوئن، سی خرداد بپیوندید، تا در ابعادی جهانی این فریاد دادخواهی را بر سر هر کوی برزن و میدانی در سراسر جهان ببریم! جمهوری اسلامی به جرم جنایت مکرر و مستمر علیه بشریت باید تاوان پس بدهد.

از ۱۵۰۰ کشته‌آبان ما، تا هزاران دستگیر و بازداشت شده اعتراضات آبان و دیماه، از به خون نشاندن اعتراضات به حق در زندان‌ها، تا به شلاق کشیدن کارگری به جرم احقاق حقش، همه و همه حرمان بی‌پایانی بر دوش بازماندگان است. که باید به فرجام برسد و جمهوری جنایت اسلامی به زیر کشیده شود.

خانواده‌های زندانیان سیاسی متحد و مصمم به این صف دادخواهی تعلق دارند. سی خرداد - ۲۰ ژوئن صحنه فریاد دادخواهی شماست. به این صف بپیوندید!

کمیته مبارزه

برای آزادی زندانیان سیاسی

۱۳ خرداد ۱۳۹۸

۲ ژوئن ۲۰۲۰

بر اثر شیوع ویروس کرونا وضعیت سندج قرمز اعلام شده



طبق اخبار منتشر شده روز شنبه ۱۷ خرداد در چند ساعت اول قبل از ظهر متأسفانه ۹ نفر بر اثر ابتلا به کرونا جان خود را از دست داده‌اند. تعداد زیادی از جوانان و کودکان متأسفانه به مرضی کرونا گرفتار شده‌اند. هر ساعت به میزان مبتلایان به ویروس کرونا افزوده می‌شود. بر اثر سهل‌انگاری و در دسترس قرار ندادن امکانات کافی تست کرونا، در حال حاضر تستهای تشخیص کرونا که مبنای اعلام آمار مبتلایان و مرگ و میر است تنها ۳۰ درصد دقت دارند و به عبارتی در ۱۰۰ مورد مبتلا تنها توان تشخیص ۳۰ مورد را دارند و ۷۰ مورد دیگر را منفی اعلام می‌کنند. در تعدادی از خانواده‌ها دو نفر (پدر و فرزند) جان خود را از دست داده‌اند.

شهر سندج در وضعیت قرمز و بحرانی قرار گرفته است.

مردم سندج! شیوع ویروس کرونا را جدی بگیرید. ضمن رعایت همه پروتکل‌های بهداشتی بویژه استفاده از

ماسک، حکومت را برای حفظ جان و سلامتی خود زیر فشار بگذارید. دستورالعملهای قرنطینه را بکارگیرید. در منزل بمانید. دولت موظف است معیشت مردم را تامین کند. دولت موظف است به کسانی که در این شرایط بیکار شده‌اند و فاقد درآمد هستند با پرداخت حقوق و تامین معیشت زندگی آنها را تامین کند.

مردم مبارز سندج! عناصری از شورای شهر

سندج در میدیای اجتماعی می‌گویند "دنیا را مقرر نکردیم!" در مقابل این نوع مهندسی کردن افکار عمومی که جمهوری

اسلامی و دولت روحانی را می‌خواهند از زیر تیغ مبارزه و تامین معیشت نجات دهند، بایستید. تنها ضامن مبارزه با شیوع ویروس کرونا و نجات جانان قرنطینه و فشار شما از طرق مختلف بویژه از کانال میدیای اجتماعی برای تامین معیشت است.

جمهوری اسلامی دشمن مردم است و در این دوره سخت نیز صدمه بسیار بیشتری اینرا به همگان اثبات کرد.

کمیته کردستان

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۷ خرداد ۱۳۹۹

۲ ژوئن ۲۰۲۰

خواستهای فوری مردم برای مقابله با کرونا و حکومت اسلامی

۱- توصیه‌های سازمان بهداشت جهانی را فوراً به جامعه اعلام کند و آنها را به مورد اجرا بگذارد.

۲- مرتباً مردم را با تجارب کشورهای دیگر در مقابله با کرونا مطلع کند.

۳- نیازهای بهداشتی و پزشکی جامعه را بطور رایگان تامین کند.

۴- پرواز کلیه هواپیماها به چین و سایر مناطقی که امکان انتقال دو طرفه کرونا وجود دارد را ممنوع کند.

۵- مدارس و دانشگاهها، کارخانه‌ها و سایر موسساتی که تعداد قابل توجهی مشغول کار در آنها هستند را تا زمانی که بحران کرونا پایان نیافته است تعطیل کند.

۶- یادگانهها، اماکن مذهبی و مساجد و سایر اماکنی که محل تجمع مردم است را تعطیل کند و نماز جماعت را در سراسر کشور ملغی کند.

۷- آمار دقیق مبتلایان به کرونا و درگذشتگان در اثر این بیماری را منظم اعلام کند.

۸- اعلام کند که خبررسانی کادر پزشکی و مردم درمورد کرونا کاملاً آزاد است و افرادی که به این دلیل دستگیر شده‌اند را فوراً آزاد کند.

۹- کلیه زندانیان را فوراً آزاد کند.

۱۰- درمان را برای عموم آحاد جامعه رایگان کند.

۱۱- هزینه‌های زندگی خانواده‌هایی که بدلیل ابتلا به کرونا و یا بدلیل تعطیلی کارشان درآمدی ندارند را تامین کند. قسط‌های بانکی‌شان را ملغی کند، آب و برق و گاز آنها را رایگان کند، اجاره مسکن آنها را بپردازد و سایر نیازهای روزمره‌شان را بطور کامل تامین کند.

اینها بخشی از خواست‌های فوری مردم در مقابله با کرونا و برای تامین معیشت مردم و جلوگیری از قربانی شدن بیشتر در این شرایط است. حکومت مفتخوران و چپ‌بختکاران اسلامی را باید تسلیم این خواست‌ها کرد. تنها با گفتنش اعتراض و از جمله اعتصاب عمومی در سراسر کشور و فشار افکار عمومی جهانی است که میتوان حکومت را وادار به عملی کردن آنها کرد. در دل مقابله با کرونا مردم باید شبکه‌های همیاری یا یکدیگر را ایجاد و تقویت کنند، متحدتر و متشکل‌تر شوند و حکومت کرونای اسلامی را به زباله دان بیندارند. **حزب کمونیست کارگری** از هیچ کوششی در این زمینه دریغ نخواهد کرد.



اخبار هفتگی کرونا در شهرهای کردستان و راههای مقابله با آن



یدی محمودی

شهر ادامه می دهند، تا هم اکنون ۷ نفر از آنان با ویروس کرونا جانشان را از دست داده اند. از طرف دیگر بی تامینی و بی مسئولیتی حکومت در قبال تامین زندگی مردم يك عامل مهم دیگر برای شیوع کرونا است و امروز دیگر بر همگان آشکار است که حکومت دزدان و قاتلان اسلامی را تنها با يك مبارزه متحد و يك پارچه می توان وادار به عقب نشینی کرد.

طبق آخرین آمارهای رسمی تا روز دوشنبه ۱۹ خرداد ماه، مبتلایان و جانباختگان ویروس کرونا در شهرهای کردستان بدین قرار است، سنندج ۱۵۰۹ نفر مبتلا و ۴۳ نفر جانباخته، سقز ۵۸۰ نفر و ۴۳ نفر جانباخته، دیواندره ۴۰۳ نفر و ۷ نفر جانباخته، مریوان ۳۸۹ نفر و ۸ نفر جانباخته، بانه ۳۳۴ نفر و ۲۰ نفر جانباخته، قروه ۳۲۳ نفر و ۲۱ نفر جانباخته، کامیاران ۲۱۲ نفر و ۱۸ نفر جانباخته، بیجار ۲۰۸ نفر و ۱۰ نفر جانباخته، دهگلان ۱۵۹ نفر و ۳ نفر جانباخته و ۵۰ مبتلا در سروآباد. این آمار تنها از میان ۱۴۳۵۵ نفر از تست شدگان است که نشان می دهد با همین تعداد بسیار کم از تست شدگان ۲۹٪ مبتلا شده اند، از طرفی دیگر تنها در دو هفته گذشته سنندج مرکز استان کردستان با ۴۲ درصد افزایش مبتلایان به کرونا به یکی از خطرناکترین شهرهای کردستان تبدیل شده است.*

Yadi.mahmodi@gmail.com
Telegram: @YadiNar

سلطان سوخت هم دستگیر شد



کازم نیکخواه

سردار محمد رضا مقیمی رئیس "پلیس امنیت اقتصادی" اضافه کرده است که: در رصد این شرکت ها، به يك شرکت خانوادگی رسیدیم که فقط در ۶ ماه دوم سال گذشته ۱۰۰ میلیون لیتر سوخت قاچاق کرده بودند؛ ۶ عضو اصلی این باند خانوادگی دستگیر شدند و در جریان پیگیری این پرونده ۱۵ عضو دیگر شناسایی و دستگیر شدند.

اقتصاد جمهوری اسلامی اقتصاد قاچاق و دزدی و رشوه خواری و غارت است و سپاه پاسداران و خامنه ای و حلقه های بالایی حکومت در راس این مافیای قرار دارند و همه کس این را میدانند. بنابراین هیچکس تردیدی ندارد که تمام سران حکومت و بویژه فرماندهان سپاه و بیت خامنه ای خود عامل اصلی ایجاد تمام این سلاطین هستند و از قبل آنها پول تل انبار میکنند. بیشتر این ها جزو چند ده تن از ثروتمندترین میلیاردرهای دنیا هستند. در سوی دیگر این تصویر از اقتصاد جمهوری اسلامی، وجود دهها میلیون نفر از انسانهای بسیار محروم و فقیر در جامعه است که از نان شبشان به مفهوم دقیق کلمه نیز محرومند و در فقر مطلق بسر میبرند.

يك دره عظیم میان فقر و ثروت در جامعه وجود دارد که دستگیری این یا آن سلطان قاچاق يك ذره تاثیری بر آن ندارد. فقط با سرنگونی این حکومت و خلع پید از کل شبکه های مافیائی چپاول از بالا تا پایین است که میتوان شروع به پر کردن این شکاف و دره عظیم و عمیق کرد.

۲۰ خرداد ۹۹



دیروز سلطان سوخت جمهوری اسلامی هم دستگیر شد. او بیست و چند نفر از اعضای خانواده اش به اتهام قاچاق حجم عظیمی از مواد نفتی دستگیر شده اند. جمهوری اسلامی سلطان زیاد دارد در واقع این حکومت از شبکه مافیائی سلاطین تشکیل شده است. سلطان سکه، سلطان ارز، سلطان اتوموبیل، سلطان جنگل، سلطان معادن و... هرچه دلتان بخواهد در این حکومت سلطان پیدا میکنند! اسم اینها از ابتدا سلطان نیست. وقتی که بخت به آنها پشت میکند و قرعه دستگیری به نام آنها می افتد، اسمشان سلطان فلان چیز میشود. و گرنه تا قبل از آن رئیس فلان بانک و مدیر عامل فلان شرکت و وزیر و نماینده محترم يك جایی هستند. وجه مشترک همه اینها اینست که سرخ همه شان به سران سپاه پاسداران و بعد تا دم در بیت رهبری میرسد و بعد کور میشود.

این سلاطین هرکدام در حوزه ای از اقتصاد يکه تازی میکنند و سالها و سالها از ثروتهای اجتماعی پولهای نجومی و عظیم به جیب خود و همدستانشان سرازیر میکنند. اقتصاد جمهوری اسلامی اساسا از شبکه ای همین نوع "سلاطین" تشکیل میشود و کل طیف بالایی حکومت از فرماندهان سپاه پاسداران تا وزرا و امام جمعه ها و نمایندگان مجلس اسلامی به فراخور حال در راس شبکه های دزدان و سلاطین قرار دارند. این کلاف اقتصادی نهایتا به بیت خامنه ای وصل میشود.

زیر فشار اعتراضات اجتماعی و بعضا جنگ قدرت، گاهگاهی حکومت ناچار میشود بعضی از سلاطین اقتصادیش را قربانی کند. مثل اسد بیگی مدیرعامل سابق نیشکر هفت تپه که اکنون در زیر محاکمه است و سرخ های افشا شده دزدیهای او به وزیر صنعت و امام جمعه و استاندار خوزستان و نماینده اهواز و شوش در مجلس اسلامی میرسد. او سالها در مقابل اعتراضات کارگران هفت تپه زیر حفاظت کامل سپاه و بسیج و استاندار و کل حکومت بود. اما بعدا به دلایلی که اینجا جای بحثش نیست ستاره اقبالش افول کرد و

فراری شد و نهایتا لباس زندان را تنش کردند. یا وحید بهزادی مدیر سابق ماشین سازی سایپا و همسرش نجوا لاشیدایی که به اعدام محکوم شده اند و شبکه ای از سران حکومت از جمله چند تن از نمایندگان مجلس اسلامی نیز متهم به همکاری با آنها هستند. مهتر از اینها اکبر طبری است که شخص بسیار قدرتمند قوه قضائیه و معاون با نفوذ صادق لاریجانی و قبل از آن معاون قوه قضائیه در زمان شاهرودی بوده است. او سلطان رشوه و ساخت و پاخت با دزدان دانه درشت است. قبل از این هم اتهام رشوه خواری و پولشویی و قاچاق و دزدی های کلان به او زده شده بود اما لاریجانی با قاطعیت از او دفاع کرد و او را در منصبش نگه داشت. اکنون صدتا جرم دزدی کلان و رشوه خواری های نجومی و تقلب و پرونده سازی و امثال اینها در پرونده او قید شده است. و همه میدانند که صادق لاریجانی و او دستشان در دست هم بوده است. اما نه دادستان نه رئیس دادگاه و قاضی و نه وکیل مدافع اسمی از صادق لاریجانی نمیبرند. چونکه اگر پای او وسط بیاید. پای بیت خامنه ای هم وسط می آید. بنابراین سرخ از اینجا کور میشود.

لیست سلاطین جمهوری اسلامی چه آنها که افشا و دستگیر شده اند و چه آنها که همچنان میتازند، بسیار طولانی است. اکنون قرعه دستگیری به سلطان سوخت رسیده است. سلطان سوخت که اسمش هنوز اعلام نشده در راس يك خانواده بیست و چند نفره است و همگی به جرم قاچاق سوخت دستگیر شده اند. بنا به اطلاعاتیه رئیس "پلیس امنیت اقتصادی جمهوری اسلامی" (اسم با مسمایی است!) او چندین شرکت صادرات مشتقات نفتی را اداره میکرده و این شرکتها تحت عنوان صادرات مشتقات نفتی و حلالها، سوخت قاچاق میکرده اند.

برای رهایی از ویروس کرونا
باید از کرونای
جمهوری اسلامی رهایی یافت!

سرنگون باد حکومت
چپاول، دروغ و جنایت اسلامی

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

نامه سرگشاده مینا احدی به آنجلا مرکل، برای دستگیری غلامرضا منصور زیر پای جنایتکاران اسلامی فرش قرمز پهن نکنید!



اخبار رسانه ها حکایت از آن دارد که قاضی فاسد و قاتل جمهوری اسلامی علیرضا منصور در آلمان است. گفته شده او در کلینیک دکتر مجید سمعی در هانوفر بوده است. لازم است فوراً دستور بازداشت او صادر و اجرا شود تا مقدمات محاکمه او فراهم گردد. ما در اولین فرصت از شاکیان پرونده جنایات این فرد دعوت خواهیم کرد که کیفرخواست خود را برای دادستانی آلمان ارسال کنند و دنیا میتواند شاهد برگزاری دادگاهی باشد که در آن این بار یکی از مقامات ارشد حکومتی اسلامی محاکمه شود.

خانم آنجلا مرکل!

دولت آلمان تا کنون عصای دست حکومت اسلامی بوده است و سیاست این دولت، بخشی از صورت مسئله ما است. این سیاست باید فوراً تغییر یابد و دستگیری و محاکمه قاضی منصور و سایر جانیان اسلامی که در این کشور سکنی گزیده اند، میتواند اولین اقدام در تغییر سیاست شما باشد.

مینا احدی

۹ ژوئن ۲۰۲۰

Minaahadi26@gmail.com

۰۰۴۹ ۱۷۷ ۵۶ ۴۱۳۹۲



آلمان شاهرودی را فراری دادند. چگونه است که بعد از آن افتضاح این بار هم در کمال خونسردی و مخفیانه به یکی دیگر از قضات قاتل جمهوری اسلامی (قاضی منصور) ویزا داده اید؟

اقدامات فوق در شرایطی صورت میگیرد که در ماه آوریل ۲۰۲۰ در کشور آلمان، محاکمه دو عامل امنیتی رژیم سوریه در دادگاهی در شهر کوبلنز آلمان توجه ها و شور و شغف فراوان قربانیان و همه ما فراریان از حکومتهای مستبد و سرکوبگر را برانگیخت. در دادگاه گفته شد این دو نفر متهم به دستگیری و شکنجه و آزار و اذیت دهها نفر هستند و یکی از اینها رهبر گروه ضربت بوده است. چگونه است که در این کشور رهبران گروههای ضربت این چنین به دادگاه سپرده میشوند، اما قضاتی که دستور قتل و شکنجه و دستگیری روزنامه نگاران و فعالین مدنی را صادر کرده اند و ترور مخالفین سیاسی حکومت را طراحی کرده اند، با احترام کامل پذیرایی میشوند. سوال این است اگر ما مخالفین و قربانیان این جانیان، اعتراض میکنیم و خواهان دستگیری آنها میشویم، چرا دولت آلمان راه اجرا شدن نقشه فرار قاتلین و تروریستها را هموار میکند و آنها را بازداشت و تحویل دادگاه نمیدهد؟

خانم مرکل!

من به نمایندگی از مردم ایران، به نمایندگی از صدها هزار خانواده ایرانی که عزیزانشان در سیستم قضایی جمهوری اسلامی به اعدام و زندان و شلاق محکوم شده و یا به صورتشان اسید پاشیده شده و یا مورد تحقیر و اذیت و آزار هر روزه قرار گرفته اند، بشما میگویم، دیگر بس است! فرش قرمز زیر پای جانیان اسلامی پهن نکنید!

خبر حضور غلامرضا منصور، یکی از قضات حکومت اسلامی و یک مهره مهم در حکومت جنایت و سرکوب و اعدام اسلامی در کشور آلمان از دو روز پیش علنی شده و توجه مردم ایران و ما تبعیدیان و ایرانیان ساکن آلمان را بخود جلب کرده است.

غلامرضا منصور ۳۰ سال قاضی در حکومت اسلامی بوده است. بنابر این یکی از عناصر مهم این حکومت بوده و در سالهای اخیر رئیس دادرسی کارکنان دولت و سرپرست دادرسی فرهنگ و رسانه بوده و در عمل مسئول بستن دهانها و روزنامه ها، سازمان دهنده حمله به دفاتر کار روزنامه ها و باعث دستگیری دهها روزنامه نگار بوده است. فقط در یک پرونده، در سال ۲۰۱۲، بیست فعال رسانه ای را به زندان انداخت. در یک مورد گفته میشود، در سال ۲۰۱۸ وی متهم به قتل دو روزنامه نگار در ترکیه است.

سعید کریمیان روزنامه نگاری است که به همراه یک نفر دیگر در ترکیه ترور شد و اکنون خانواده کریمیان میگویند که به دستور مستقیم منصور آنها را به گروگان گرفته بوده و در زندان مورد اذیت و آزار فراوان قرار داده اند. اینها فقط گوشه کوچکی از جنایات این قاضی حکومت اسلامی است. همه میدانند که قاضی بودن و ارتقا مقام قضات در حکومت اسلامی اعدام و تنها با اعلام و پیگیری احکام اعدام و تنها با سرکوب و کشتن و سنگللی و بیرحمی به دست می آید و این فرد که آخوند هم بوده در این مورد پرونده قطوری از جنایت و سرکوب را دارد.

در اوایل سال ۲۰۱۸ علیرغم اعلام کیفرخواست دهها نفر در محضر دادستان آلمان علیه شاهرودی رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران، مقامات

به کارزار "من در ایران نمیتوانم نفس بکشم" بپیوندید!

"من نمی توانم نفس بکشم"، بعد از کشته شدن جورج فلویید بدست نیروی پلیس در آمریکا، به شعار توده ای و گسترده ای تبدیل شد. زمانی که پلیس زانوی خود را روی گردن جورج فلویید غیر مسلح و دستبند زده گذاشته بود، صدای "من نمی توانم نفس بکشم" از او شنیده شده تا جایی که دیگر نفس نکشید!

جنبش اعتراضی که بعد از قتل جورج فلویید به راه افتاد، با وجود ویروس کرونا به خیابانها کشیده شد، جنبشی که علیه نژادپرستی، تبعیض نژادی، خشونت پلیس و ناعدالتی آغاز شد و حالا تا اعتراضات سراسری به سیاستهای ضد انسانی دولت ترامپ کشیده شده است.

و اما جمهوری اسلامی با تلاش برای سوء استفاده تبلیغی از وقایع آمریکا، دولت آمریکا را محکوم کرده تا از خود چهره مدافع مردم معترض آمریکا نشان دهد، در حالی که این حکومت جنایتکار همواره دست تا آرنج در خون شهروندان ایرانی و افغانستانی آغشته کرده و فقط در شش ماه گذشته ۱۵۰۰ نفر در خیزش آبان، ۱۷۶ نفر در هواپیمای اوکراینی و حداقل ۲۳ نفر افغانستانی را در مرز ایران و افغانستان، به قتل رسانده است.

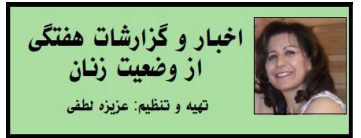
بدینوسیله ما، ضمن اعلام همبستگی با مردم حق خواه و معترض آمریکا و نیز مردم آزادیخواه و انساندوست سراسر جهان، هر گونه تبعیض و خشونت و جنایت را محکوم میکنیم و اعلام میداریم خواهان پایان یافتن سرکوب و کشتار انسانها در سراسر جهان و از جمله ایران هستیم و در رابطه با جامعه ایران، سرنگونی جمهوری اسلامی را اولین و مهمترین فاکتور برای رهایی مردم، می دانیم.

حکومتی که زانوی خود را روی گردن زن، کارگر و معلم و پرستار دانشجو و بیکار و بازنشسته، آتئیست و رنگین کمانی، کودک، جوان، و روی گردن مهاجرین گذاشته و حق نفس کشیدن از انسانها را در سطح میلیونی سلب کرده، محکوم به سرنگونی است.

به کارزار "من یک انسانم، من در ایران نمیتوانم نفس بکشم"، بپیوندید!

من یک زن هستم، من در ایران نمیتوانم نفس بکشم...
من یک کارگر هستم، من در ایران نمیتوانم نفس بکشم...
من یک آتئیست هستم، من در ایران نمیتوانم نفس بکشم...
من یک رنگین کمانی هستم، من در ایران نمیتوانم نفس بکشم...
من یک دانشجو هستم، من در ایران نمیتوانم نفس بکشم...
من یک معلم هستم، من در ایران نمیتوانم نفس بکشم...
من یک پرستار هستم، من در ایران نمیتوانم نفس بکشم...
من یک جوان هستم، من در ایران نمیتوانم نفس بکشم...
من یک بیکار هستم، من در ایران نمیتوانم نفس بکشم...
من یک بازنشسته هستم، من در ایران نمیتوانم نفس بکشم...
من یک مهاجر هستم، من در ایران نمیتوانم نفس بکشم...

دولت آلمان تا کنون عصای دست حکومت اسلامی بوده است و سیاست این دولت، بخشی از صورت مسئله ما است. این سیاست باید فوراً تغییر یابد و دستگیری و محاکمه قاضی منصور و سایر جانیان اسلامی که در این کشور سکنی گزیده اند، میتواند اولین اقدام در تغییر سیاست شما باشد.



**اخبار و گزارشات هفتگی
از وضعیت زنان**

تهیه و تنظیم: عزیزه نطفی

**بازداشت هاجر سعیدی
فعال جنبش زنان در سنندج در منزلش**



یکشنبه ۱۸ خرداد هاجر سعیدی فعال جنبش زنان در سنندج در منزلش در محله بهاران با یورش ماموران وزارت اطلاعات بازداشت و به مکان نامعلوم انتقال داده شده است. با توجه به وضعیت قرمز و بحرانی شیوع ویروس کرونا، فعالین جنبش زنان، کارگری، جوانان و مردم سنندج را فرامیخوانیم با بکارگیری میدیای اجتماعی شبکه های خبر رسانی و جمع آوری طومار و شعار نویسی در محلات برای آزادی فوری هاجر سعیدی اقدامات فعالی را شروع کنند. جای زنان آزادیخواه و برابری طلب زنان نیست. هاجر سعیدی فوری و بدون قید و شرط آزاد باید گردد. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ۱۸ خرداد ۱۳۹۹

**زینب جلالیان،
زندانی سیاسی به کرونا مبتلا شد**



در آستانه روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی در ایران خواهان آزادی و مرخصی

زندانیان و بخش درمانی و خدماتی زندانیان شویم.

علی جلالیان، پدر زینب جلالیان زندانی سیاسی محکوم به حبس ابد، اعلام کرده است که زینب جلالیان در ۱۳ خردادماه پس از معاینه و انجام آزمایش توسط پزشک مبتلا به بیماری کووید-۱۹ تشخیص داده شده است.

پدر این زندانی سیاسی میگوید که علی رغم تشخیص این بیماری، مسئولان زندان به دستور وزارت اطلاعات از انتقال او به بیمارستان خودداری می کنند.

این در حالیست که کارکنان بهداری زندان ارومیه نیز بدنبال فاجعه ای که در این زندان میروید تا رقم بخورد اعلام کرده اند از ۱۷ خرداد دست به اعتصاب زده و بر سر کارهایشان حضور پیدا نکردند.

این در حالی است که اکثر زندانیان بند سیاسی از علائم ویروس کرونا رنج می برند. کلیه بندهای این زندان با کرونا دست و پنجه نرم میکنند. فقط ۹۰٪ زندانیان محبوس در بندهای ۱ و ۲ سلامت به کرونا مبتلا شده اند و در چنین شرایط وخامت باری، بهداری زندان نیز تعطیل است.

جمهوری اسلامی سالهاست سیاست "قتل خاموش" زندانیان سیاسی را پیش گرفته است. امروز شیوع کرونا در زندانها و عدم اقدامات موثر جهت مبتلا نشدن زندانی، ابزار دیگری جهت حذف فیزیکی زندانی سیاسی است. زینب جلالیان دختر جوانی که سالهاست در ییادگاههای رژیم اسلامی بسر میبرد بدون هیچ توضیح قضایی به زندان قرچک منتقل شد. چند روز گذشته با پرونده سازی جدید روبرو شد و امروز خبر ابتلائی او به کرونا منتشر میشود. زینب جلالیان و تمام زندانیان مبتلا به کرونا باید از حق دارو و درمان ویژه همین امروز برخوردار شوند. تمام زندانیان و بخش خدمات زندانها تا پایان دوران کرونا باید آزاد و یا به مرخصی بروند. کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در آستانه روز جهانی

حمایت از زندانیان سیاسی در ایران از همه شما مردم شریف، آزادیخواه و انساندوست میخواید صدای زینب جلالیان و هزاران زندانی سیاسی دیگر باشیم. کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

**پرونده سازی در زندان
احضار آتنا دائمی به دادسرای اوین**



آتنا دائمی محبوس در زندان اوین روز یکشنبه ۱۸ خردادماه جهت تفهیم اتهام از بابت پرونده جدیدی که اخیراً برای وی گشوده شده در دادسرای اوین حاضر شد. در این جلسه آتنا دائمی توسط شعبه ۲ بازپرسی دادسرای اوین به ریاست قاضی حاجی مرادی به اتهام اخلاف در نظم زندان از طریق سر دادن شعار علیه جمهوری اسلامی مورد تفهیم اتهام قرار گرفت.

شب گذشته به آتنا دائمی اطلاع دادند که صبح روزیکشنبه به دادسرای اوین احضار شده است. آتنا دائمی نیز به گمان آنکه این احضار درخصوص پرونده پیشین اوست در دادسرا حاضر شد. اما به محض حضور متوجه شد که این يك پرونده جدید است و به اخلاف در نظم زندان از طریق سر دادن شعار در شب ۲۲ بهمن ماه ۹۸ متهم شده است. آتنا دائمی نیز در جریان این جلسه بازپرسی اتهام وارده را رد کرده است.

پیشتر در تاریخ ۲۴ اردیبهشت ۹۹ جلسه رسیدگی به اتهامات آتنا دائمی از بابت پرونده ای دیگر در شعبه ۲۴ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی محمدرضا عموزاد برگزار شد.

**با پایان مرخصی؛
ندا آشتیانی به زندان اوین بازگشت**

ندا آشتیانی، زندانی سیاسی طی روزهای گذشته با پایان ایام مرخصی جهت تحمل ادامه دوران محکومیت سه ساله خود به زندان اوین بازگشت. آشتیانی هم اکنون در بند قرنطینه بسر می برد و پس از پایان ایام قرنطینه به بند زنان زندان اوین منتقل خواهد شد.

ندا آشتیانی پیشتر در فروردین ماه امسال با تودیع قرار وثیقه به مرخصی اعزام شده بود. ندا آشتیانی اواخر بهمن ماه ۹۷ به دلیل فعالیت در فضای مجازی توسط نیروهای وزارت اطلاعات در محل کار خود بازداشت و به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شده بود. او اواخر اسفندماه همان سال با تودیع وثیقه ۳۰۰ میلیون تومانی به صورت موقت و تا پایان مراحل دادرسی از زندان اوین آزاد شد.

**لوژین الحتول، زن آزادی خواه و برابری
طلب عربستان که بغاظر دفاع از حقوق
انسانها زیر حکم اعدام است.**

این زن جوان ۲۹ ساله لوژین الحتول است. وی یکی از فعالان حقوق زنان در عربستان سعودی است. عربستان سعودی اکنون وی را دستگیر کرده است و به دلیل اینکه ساختارهای بدوی مرد سالارانه را مختل کرده، محکوم به اعدام شده است. لوژین طرفدار حقوق برابر زن و مرد است، اما این در عربستان سعودی جرم و جزایش اعدام تلقی می شود.*



نه به تبعیض، نه به نژاد پرستی و نابرابری جمهوری اسلامی نابود باید گردد
انقلاب زنانه
۱۵ خرداد ۱۳۹۹
۴ ژوئن ۲۰۲۰
دادخواهی و کیفرخواست علیه چهل سال جنایات سازماندهی شده جمهوری اسلامی را هم می توانید در لینک زیر امضا کنید:

<https://goo.gl/qTP3Qn>
لینک فرم عضویت و فعالیت در انقلاب زنانه
<https://t.me/enghelabezananeh/17983>
پیامگیر تلگرام t.me/sjktamas
کانال تلگرام t.me/enghelabezananeh
اینستاگرام <http://instagram.com/women.revolution>

های جانب‌باختگان آبان ۹۸ و زمستان ۹۶ و اعتراضات سال ۸۸ و هواییمای اوکراینی و کشته شدگان چهار دهه گذشته و نیز از خانواده های زندانیان سیاسی، دعوت میکنند به این کارزار بپیوندند!
همچنین ما برای چهار دهه خشونت، جنایت و شکنجه های سازماندهی شده قانونی، دولتی و قضایی و در يك کلام حکومتی علیه انسانها در ایران اعلام دادخواهی و کیفرخواست کرده و خواهان محاکمه تک تک آمرین و عاملین بیش از چهار دهه خشونتها و جنایات علیه انسانها در ایران و ترورها در خارج کشور به دست عوامل این حکومت هستیم. مردم ایران و مهاجرین در ایران شایسته يك زندگی انسانی و يك جامعه آزاد و برابر و سکولار و عاری از خشونت هستند و برای تحقق همین آرمان، دست از تلاش و مبارزه بر نخواهند داشت. آبان ادامه دارد...

از صفحه ۵ به کارزار "من در ایران..."
من از اعضای خانواده جانب‌باختگان جنایات جمهوری اسلامی هستم، من در ایران نمیتوانم نفس بکشم...
من از اعضای خانواده زندانیان سیاسی هستم، من در ایران نمیتوانم نفس بکشم...
فراخوان انقلاب زنانه، پایان دادن به بساط تحقیر و ظلم و ستم و شکنجه و خشونت و جنایت و پی حقوقی میلیونها انسان و توقف چرخه انسان ستیزی و انسان کشی است و برای تحقق این امر، شدت بخشیدن به مبارزه علیه جمهوری اسلامی در يك جدال طبقاتی و مستمر علیه این حکومت قاتلین و جلادان را ضروری میدانند.
در همین راستا از همه انسانهای آزاده در ایران، همه زنان، جوانان، دانشجویان، کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان، بیکاران، رنگین کمائی ها، آنتیستها، مهاجران و همه خانواده

اطلاعیه های حزب

آمریکا: عصیان اجتماعی علیه تبعیض، فقر و نابرابری!

تظاهرات و شورش هایی که در اعتراض به قتل وحشیانه جرج فلورید توسط پلیس در صدها شهر در آمریکا و سایر نقاط جهان برپا شده، يك نقطه عطف تاریخی را رقم میزند. این فقط اعتراضی به قتل فجیع و بیرحمانه يك مرد سیاهپوست توسط پلیس نژادپرست آمریکا نیست، این فقط اعتراضی به بقاء جان سخت تبعیض نژادی در جامعه آمریکا نیست. این قبل از هرچیز شورش بی سابقه و آشتی ناپذیر علیه شقاوت و بی اعتنائی حاکمان حاضر جامعه نسبت به جان و حرمت انسان است. زمینه های مادی عمیقتر تظاهرات ها و راهپیمایی های گسترده چند روز گذشته، اعتراض به فقر و نابرابری و تعمیق شکاف بین فقیر و غنی است که بطور وحشتناکی رویه افزایش است و در دوره کرونا برآفتاب بیشتر شد. به يك معنی این "شورش گرسنگان" است که ناله های حزن انگیز جرج فلورید که نمی توانم نفس بکشم" آخرین قطره ها بر کاسه صبر و تحملش بود و به ناگاه طوفان وار آنرا به وسط صحنه سیاست آمریکا و جهان کشاند.

خیلی ها نمی خواهند حقایق تکان دهنده پشت شورش اخیر در آمریکا را ببینند. از ترامپ فاشیست و نارسیسیت که ابلهانه میخواید آمریکا را حول سیاست های نژاد پرستانه و فوق ارتجاعی به جنگ و تعارض داخلی بکشاند تا مگر در مسند ریاست جمهوری باقی بماند، تا دمکراتهایی که میخواهند با قدری کوتاه آمدن و پذیرش برخی رفرم ها این طغیان اجتماعی را رام کنند و دور بعد رئیس جمهوری را ببرند، تا مفسرین بی بی و سی و سی ان ان و غیره که میکوشند موضوع را در چهارچوب "تبعیض نژادی غیر قانونی" و یا بی قانونی این و آن مامور و مقام اجرایی محدود و مخاطبان خود را گمراه کنند و تا حتی برخی فعالین به اصطلاح چپ که موضوع را در حد اعتراض به تبعیض نژادی و سیاست های فاشیستی ترامپ و نقد "امپریالیسم آمریکا" می بینند. در این صف از همه نامربوط تر و بی شرمتر البته سران رژیم اسلامی هستند. آنها با روضه خواندن برای مرگ جرج فلورید میکوشند تا ایدئولوژی اسلامی و ضد آمریکایی را مگر باد بزنند، یا مگر بر جنایات بیشمار هر روز خود سرپوش گذارند.

در برابر این صف تقلیل دهندگان واقعبیت اعتراضات اخیر البته خود مردم آزاده و آگاه آمریکا، جهان و ایران هستند. در ایران مردم در پس قتل وحشیانه جرج فلورید و تظاهرات ها و شورش های خشمگینانه و قاطع مردم آمریکا در چند روز اخیر يك اعتراض اجتماعی وسیع و رادیکال علیه وضع موجود را می بینند و از آن الهام میگیرند. فی الحال "نمی توانم نفس بکشم" به شعار مردم ایران تبدیل شده است. آنها با این شعار رژیمی که يك آپارتاید جنسیتی تمام و کمال علیه نیمی از جامعه یعنی زنان را اعمال میکند به بازخواست میکشند. مردم ایران با شعار "نمی توانم نفس بکشم" صدای اعتراض جرج فلوریدهای ایران، کسانی چون آسیه پناهی ها و رومیناها و سحر خدایاری ها و یا پناهندگان افغان میشوند که يك ماه قبل به رودخانه انداخته شدند و کشته شدند و دیروز در اطراف یزد توسط مزدوران حکومت به آتش کشیده شدند. "نمی توانم نفس بکشم" فریاد دادخواهی علیه همه کشتارهای جمهوری اسلامی است: از کشته شدن گان آبان و دیماه و شلیک به هواپیما تا قتل ندا آقا سلطان ها و از قتلهای زنجیره ای تا تیربارانهای فرودگاه

سندج و قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷. مردم ایران با شعار "نمی توانم نفس بکشم" دادخواهی کارگری را فریاد میزنند که سه روز قبل به جرم شرکت در تظاهرات اول مه ۷۴ ضربه شلاق خورد. و بالاخره با این شعار حکومت و نظام آیت الله های میلیاردر را بخاطر جنایاتی که در همین دوره شیوع کرونا و با گسترش بیماری ناشی از آن مرتکب شده و فقر و فلاکت بسیار سیاهتری که بر کارگران و همه مردم حاکم کرده با اعتراض و خشم و نفرت خود بجانش میکشند.

حزب کمونیست کارگری تماما در کنار مردم آمریکا و در کنار مردم ایران ایستاده است. اعتراضات و مبارزات مردم آمریکا علیه تبعیض و فقر و نابرابری بی شک الهام بخش مبارزه رهایی بخش مردم ایران علیه جمهوری اسلامی خواهد شد. بی گمان سرنگونی جمهوری اسلامی توسط انقلاب مردم و برقراری "آزادی و برابری و اداره شورایی" در ایران، بنوبه خود الهام بخش مبارزات رهایی بخش در سایر نقاط جهان خواهد بود.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۵ خرداد ۱۳۹۹، ۴ ژوئن ۲۰۲۰

جمهوری اسلامی بازمه جنایت آفرید
تعدادی از مهاجرین افغان زنده در آتش سوختند

روز چهارشنبه، ۱۴ خرداد يك دستگاه اتومبیل حامل ۱۴ سرنشین از مهاجرین افغان و يك تبعه پاکستان در محور کمرندی یزد - بافق نرسیده به پل زیرگذر مورد شلیک وحشیانه نیروهای گشت انتظامی جمهوری اسلامی قرار گرفت و بلافاصله آتش گرفت. مأموران علیرغم مشاهده شعله ور شدن اتومبیل، بسرعت از محل گریختند.

شاهدان عینی با دست خالی و بدون وسیله اطفاء حریق، به کمک مصدومین شتافتند. مسافری خودرو در میان شعله های آتش دست و پا میزدند، سه نفر به طرز بسیار فجیعی زنده در آتش سوختند و جان دادند. پنج نفر درحالیکه بشدت سوخته بودند به کمک مردم از ماشین بیرون کشیده می شوند و بوسیله اورژانس به بیمارستان فرخی یزد انتقال داده می شوند که یکی از آنها به دلیل شدت سوختگی در بدو ورود به بیمارستان جان می دهد. دو نفر دیگر را بصورت اضطراری به بخش (آی سی یو) منتقل می کنند که طبق گزارشاتی که دریافت کرده ایم وضعیت آنها بشدت وخیم است. دو نفر دیگر هم در وضعیت بسیار نامتعادلی قرار دارند. دو نفر دیگر نیز علیرغم جراحت و سوختگی فرار می کنند تا به دام مأمورین وحشی جمهوری اسلامی گرفتار نشوند.

نیروی انتظامی علت این حادثه را "سرعت غیرمجاز" خودرو اعلام کرده است. شاهدان عینی و رانندگان عبوری از لحظه شعلور شدن اتومبیل و سوختن دردناک مسافرین ویدئو گرفته اند و تأیید می کنند که ماشین گشت نیروی انتظامی به این اتومبیل شلیک کرد و پس از مشتعل شدن آن از محل گریخت. سفارت افغانستان در تهران ضمن تأیید این خبر از جمهوری اسلام خواسته است در این باره شفاف سازی کند.

درست يك ماه پیش در ۱۲ اردیبهشت مرزبانان حکومت اسلامی با قساوت و بیرحمی غیر قابل توصیفی بیش از پنجاه کارگر فصلی مهاجر افغان را به رودخانه هریرود ریختند که جسد ۱۹ نفر از آنان آب گرفته شد و تعدادی از آنان نیز مفقودالامر هستند. جمهوری اسلامی این جنایت هولناک را هم منکر شد. همانگونه که شلیک سپاه پاسداران در شهرستان سراوان و هدف گلوله قرار دادن خودروی پناهندگان افغان را که سبب کشته شدن ۳۵ نفر از آنان شد تکذیب کرد و آنرا ناشی از واژگون شدن اتومبیل به دلیل سرعت زیاد اعلام کرد. همانگونه

رحیم یوسفی متاسفانه اعدام شد!



رحیم یوسفی را برای اعدام در زندان نقده به سلول انفرادی منتقل کرده بودند. سحرگاه روز چهارشنبه برابر با ۲۱ خرداد ۱۳۹۹ او را حلق آویز کردند و جانش را گرفتند.

جرمش هر چه بود نمی بایست جانش گرفته می شد. مردم بویژه در نقده و بیرانشهر در مقابل زندان و در مقابل منزل خانواده مقتول برای نجات جانش تجمع کردند. در شرایط اوج دوباره کرونا در این مناطق باید بگوییم که مردم سنگ تمام گذاشتند. حکم و رای و تمایل مردم روشن بود. آنها اعدام را نمی خواستند و نمی خواهند و با تجمع خود خواهان بازگرداندن زندگی به

رحیم یوسفی بودند. رحیم متهم به قتل بود. ولی گفته می شود قتلی که رحیم مرتکب شده بود حتی عمدی نبوده است. يك حادثه و اتفاق بسیار ناگوار غیر عمدی بوده است. این به نوبه خود اعدام رحیم یوسفی را دردناک تر می کند. اما حتی اگر اینطور هم نمی بود رحیم نمی بایست اعدام می شد. قتل را با قتل جواب نمی دهند. شما نمی توانید مدعی شوید که برای جلوگیری از قتل به يك قتل دیگر اینبار از جانب دولت و بطور سازمان یافته و برنامه ریزی شده دست بزنید.

جمهوری اسلامی این کار را می کند. ما نام این را جنایت می گذاریم. جنایتی که دولت مرتکب می شود. و همه می دانیم که جمهوری اسلامی این جنایات را برای چه منظوری مرتکب می شود. به خاطر اینکه در جامعه ایجاد ترس و وحشت کند. اما مسئله به اینجا ختم نمی شود.

جمهوری اسلامی با قوانین ضد انسانی قصاصش خانواده مقتول هم شریک جنایت خود می کند. از احساسات و غم و ناراحتی خانواده مقتول سوء استفاده می کند. چه کسی صندلی را از زیر پای اعدامی می کشد؟

کمیته بین المللی علیه اعدام
۲۱ خرداد ۱۳۹۹
۱۰ ژوئن ۲۰۲۰

کمیته بین المللی علیه اعدام
۲۱ خرداد ۱۳۹۹
۱۰ ژوئن ۲۰۲۰

که جنایت کشتار پناهجویان افغان در سلماس و کشتار گوردستجمعی آنان را نیز منکر شد. و همانگونه که کشتار مسافران پرواز اوکراین را سه روز لاپوشانی کرد.

جهان رفتار فاشیستی سازمان یافته حکومت اسلامی علیه شهروندان افغان در ایران را بخوبی می‌شناسد. با انکارهای این حکومت سراپا جنایت هم به خوبی آشناست. ما این جنایت وحشیانه و سوزاندن جانخراش مهاجرین افغان را بشدت محکوم می‌کنیم و خواهان محاکمه عاملین و آمرین آن هستیم. دنیا باید این جنایات را محکوم کند. نهادهای بین المللی باید جمهوری اسلامی را به جرم اینهمه جنایت علیه مردم محکوم کنند و آنرا بایکوت سیاسی کنند. تشکل های مردمی را فرامیخوانیم که ضمن محکوم کردن حکومت فاشیست اسلامی، از حق شهروندی تمام و کمال مهاجرین افغان حمایت کنند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۵ خرداد ۱۳۹۹، ۴ ژوئن ۲۰۲۰

اعتراض شدید ده تشکل کارگری به شلاق زدن رسول طالب مقدم شلاق ممنوع

ده تشکل و گروه کارگری به اسامی اتحاد بازنشستگان ایران، انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، بازنشستگان سندیکای بافنده سوزنی، بازنشستگان سندیکای فلزکار مکانیک، سندیکای فلزکار مکانیک، سندیکای نقاشان البرز شورای بازنشستگان ایران، کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری، گروهی از فعالین کارگری سقز، گروهی از فعالین لغو کار کودکان طی بیانیه ای اجرای حکم شنیع شلاق در مورد رسول طالب مقدم از بازداشت شدگان روز جهانی کارگر ۹۸، و اعمال فشار بر زندانیان سیاسی را محکوم کردند. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است: "ما با قدرت خود طالب مقدم را آزاد کردیم و از اینجهت بر قدرت طبقاتی خود می بالیم. اما اجازه نمیدهیم که آزادی طالب مقدم بر روی عمل وحشیانه مقامات قضایی در قبال این فعال کارگری که بر پیکرش شلاق وارد آوردند، سایه بیندازد. شلاق بر بدن رسول طالب مقدم شلاق بر پیکر طبقه کارگر و جامعه ایست که حاضر به قبول فقر و بندگی نیست. ما انزجار خود را در برابر این اقدام وحشیانه اعلام میکنیم. شلاق باید ممنوع شود." کارگران در این بیانیه با اعلام همبستگی خود با رسول طالب مقدم بر گرامیداشت روز جهانی کارگر بعنوان حق مسلم کارگران و کل جامعه تاکید گذاشتند. در این بیانیه اعمال فشار بر روی زندانیان سیاسی از جمله آتنا دانشی، گلرخ ایرانی، سهیل عربی، مهدی فراخی شاندیز، جعفر عظیم زاده، محمد جعفری، اسماعیل عبدی محکوم گردیده و بر اعتراض متحذانه نسبت به این اعمال فشارها تاکید شده است.

در بخش پایانی این بیانیه چنین آمده است: "باید با سراسری نمودن مبارزات علیه فقر، بیکاری، بازداشت و زندانی نمودن فعالین سیاسی، قدرت توده ای خود را به میدان آوریم تا دستگاههای سرکوبگر بیش از این توان سرکوب و زندان و کشیدن شلاق بر پیکر انسانهای حق طلب را نداشته باشند."

پیش بسوی اعتصابات سراسری

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۸ خرداد ۱۳۹۹، ۷ ژوئن ۲۰۲۰

اعتراضات پرستاران و چند خبر دیگر اعتراضی کارگری

روز شنبه ۱۷ خرداد، جمعی از پرستاران شرکتی تبریز در ادامه اعتراضات دامنه دارشان بخاطر عدم تبدیل استخدام خود در کار و سطح نازل حقوقهایشان در مقابل استانداری آذربایجان شرقی تجمع کردند. به گفته این پرستاران حقوق آنها حتی کمتر از حداقل دستمزد چند بار زیر خط فقر شورایی عالی کار است و در فروردین ماه هر کدام از آنها فقط یک میلیون و ۷۰۰ هزار تومان مزد دریافت کردند. اکثر این پرستاران با مدارک تحصیلی لیسانس و فوق لیسانس به صورت پیمانی کار میکنند.

روز شنبه ۱۷ خرداد، پرستاران اورژانس در ادامه اعتراضاتشان به خاطر عدم اجرای قانون ارتقای بهره‌وری و شرایط سخت کاری و ساعت طولانی کارشان، تجمع و اعتراض کردند. به گفته این پرستاران ۱۰ سال از زمان تصویب این قانون میگذرد و زیر فشار اعتراضات پرستاران یکسال قبل "دیوان عدالت اداری" رای به شمولیت این قانون برای پرسنل درمانی شاغل در اورژانس را داد. اما علیرغم این هنوز با مقاومت دستگاههای اجرایی همراه بوده است.

روز ۱۸ خرداد جمعی از معلمان نهضت سوادآموزی با خواست استخدام در آموزش و پرورش و حذف آزمون استخدامی مقابل مجلس تجمع کردند.

روز ۱۷ خرداد جمعی از کارگران اخراج شده بخش تعمیرات مجتمع کشت و صنعت هفت تپه، در مقابل دفتر مدیریت این مجتمع تجمع کرده و خواستار بازگشت به کار خود شدند. بنا بر خبر همزمان با فصل بهره برداری قرارداد این کارگران از صبح روز شنبه چهارم خرداد فسخ شده است. کارگران اخراجی هرکدام ۲ تا ۳ سال سابقه کار دارند و تعداد آنها به ۷۰ نفر میرسد و به عنوان کارگر ماهر فنی، جوشکار و تعمیر کار در بخش تعمیرات به کار اشتغال داشته اند. این در حالیست که بنا بر قوانین خود حکومت کارهایی که طبیعت آنها جنبه مستمر دارد، در صورتی که مدت آنها در قرارداد محدود نشود، دائمی تلقی شده و کارفرما حق اخراج این کارگران را ندارد. خواست این کارگران بازگشت فوری به سر کار است.

بنا بر گزارشات منتشر شده اعتراضات کارگران پیمانکاری شرکت نفت فلات قاره - خارک به خاطر عدم پرداخت حقوق اردیبهشت ماه و دو ماه حق بیمه که باعث عدم تمدید دفترچه های بیمه و استفاده از همان حداقل امکانات برای آنان شده است، همچنان ادامه دارد. این کارگران در روزهای قبل نیز تجمعاتی داشتند و اعتراض آنان به سطح نازل دستمزدها، تعویق پرداخت دستمزدها و حق بیمه و قرار دادهای موقت پیمانی است. شمار این کارگران صد نفر است و طرف قرارداد با یک شرکت پیمانکاری هستند.

روز ۱۷ خرداد جمعی از قصابان شهر ایذه در اعتراض به تعطیلی کشتارگاه ایذه و بیکاری و نداشتن درآمد مقابل درب شهرداری تجمع کردند. بدنبال شیوع کرونا بسیار از مشاغل تعطیل و کارکنان آن از کار بیکار شده و هیچگونه درآمد و تامينی ندارند. دولت موظف است معیشت همه شهروندان را با پرداخت مقرری ماهانه کافی تامین نماید. بعلاوه درمان رایگان برای همه مردم، تحصیل رایگان برای همه کودکان و داشتن مسکن حق مسلم همه مردم است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۸ خرداد ۱۳۹۹، ۷ ژوئن ۲۰۲۰

اعتراضات کارگران بخشهای مختلف پالایشگاه آبادان و عسلویه صبح روز ۱۹ خرداد تعدادی از کارگران شهرداری صنعتی پالایشگاه آبادان در اعتراض به عدم پرداخت مطالباتشان مقابل درب ورودی پالایشگاه تجمع کردند. به گفته کارگران آنها عیدی و سنوات سال قبل و تعدیل حقوق امسال را طلب دارند. با اتمام قرارداد قبلی وضعیت قرارداد جدید این کارگران ناروشن است. بنا بر خبر دستگاه نظارت با اصرار و تهدید به اخراج کارگران اقدام به تهیه قرارداد کار تایید نشده توسط اداره کار نموده و از کارگران خواسته اند که آن را به صورت سفید امضا کنند و کارگران حاضر به امضای آن نشده اند. به گفته کارگران به خاطر عدم امضای قرارداد سفید، دستگاه نظارت از ورود آنها به پالایشگاه جلوگیری میکند. در مقابل این قلدری تجمعات اعتراضی کارگران ادامه دارد.

روز ۱۸ خرداد کارگران بخشهای تعمیرات و نگهداری پالایشگاه دهم عسلویه در اعتراض به شرکت های پیمانکاری و تحمیل بی حقوقی مطلق بار دیگر دست به تجمع زدند. کارگران بخشهای تعمیرات و نگهداری پالایشگاه دهم عسلویه که مانند باقی پالایشگاههای پارس جنوبی به یک شرکت پیمانکار واگذار شده است، اوایل سال گذشته شرکت پیمانکار عارض شد و شرکت جدیدی این پروژه را بدست گرفت و بیش از ۲۰۰ کارگر ناگزیر شدند با این شرکت پیمانکار جدید قرارداد ببندند. این کارگران در چند ماه پایانی سال گذشته و همچنین در سه ماهی که از سال جدید سپری شده، بارها دست به اعتراض زداند. خواست کارگران دستمزد برابر با کارگران استخدام رسمی در برابر کار برابر است. این کارگران قبل از آن هم بارها دست به اعتراض زده بودند. این کارگران هر سال یا هر دو سال، با یک کارفرمای جدید طرف هستند و این خود باعث ناثباتی بیشتر موقعیت شغلی آنها شده است. اعتراض کنونی کارگران اینست که علیرغم گذشت نزدیک به سه ماه از سال جدید، قراردادهای کار آنها تنظیم نشده و همچنان با دستمزد سال ۹۸ کار میکنند و افزایش حقوق سال جدید برای آنها اعمال نشده است.

کارگران پیمانکاری فاز ۹ پالایشگاه در روزهای گذشته، جلسهای با حضور شرکت پیمانکار و نمایندگان کارفرمای مادر داشتند که در آن، موارد اعتراض خود را به قرار زیر اعلام کردند: پرداخت به موقع دستمزدها، برخورداری از افزایش دستمزد سالیانه، برخورداری از قرارداد شغلی و داشتن یک نسخه از آن، بهبود وضعیت کمپ و غذا، مطالبه کلیه رفاهیات براساس عرف منطقه مانند کمک هزینه غذا، کمک هزینه سفر، پرداخت مطالبات مزدی معوق مانند پاداش اورهال قبلی، برقراری سیستم ۱۴-۴ برای کارگران پیمانکاری در شرایط کرونا تا بتوانند حداقل دو هفته در هر ماه را بدون ترس از واگیر و بیماری کنار خانوادههایشان بمانند.

در مقابل این مطالبات و زیر فشار اعتراض کارگران کارفرمایان با بخشی از خواستههای کارگران توافق خود را اعلام کرده و وعده هایی به قرار زیر دادند: در مورد دستمزد، قراردادهای جدید با آیتهمهای افزایش یافته مزدی به زودی تنظیم و برای امضا به کارگران داده میشود، معوقات مزدی به زودی پرداخت می‌شود؛ در ارتباط با پرداخت مزایای دیگر شغلی موضوع به تهران ارجاع داده خواهد شد تا مشخص شود کدامیک از مولفههای رفاهیات به کارگران پیمانکاری تعلق می‌گیرد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۹ خرداد ۱۳۹۹، ۸ ژوئن ۲۰۲۰

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!